

بنام خدا

باسلام خدمت برادر محترم علی رضا امیر

باسلام خدمت برادر محترم علی رضا، علی رضا جان امیدوارم که حالت خوب و در زیر سایه خداوند متعال سلامت باشی. علی رضا سالها در دری از تو ما را آفریده و نگرانی کرده است که به حکم از جن نجات آذربایجان فوری این امکان برای من فراهم نشد که بعد از سالها برایت نامه بنویسم. می دانم که تو هم دل تنگ ما و ایران هستی. امیدوار باش و شجاع باش و شجاعانه تصمیم بگیر و خود را نجات بده. برادرم آنچه مهم است این است که به جز ماندن در آن جهنم هر تصمیمی بگیرد مطمئنانه بهترین تصمیم خواهد بود. این را هم می دانم که هر کس اقدام به جدایی از سازمان کند چه بلا می آید پس روی او است. می دانم که آخف به شجاعی بودی. پدر و مادر خواهر و برادر زخمی و خامیل و اقوام و حتی خاطرات گذشته را فراموش کنید. وگرنه آیا این ممکن است فرزندی بی وفا طفره مثل تو. پدر و مادر خواهر و برادر را فراموش کند. می دانم آخف روی نقطه ضعف شما که روحی کند و شما را تحسیر و خار و زلیل می کند برای اینکه اعتماد به نفس خود را از دست دهید و کور بگردانید به او امر آخف گوش دهید و مطیع آخف باشید و می باز با این هم شلنگ خود را از اسارت ذهنی سازمان رها ساز و این را بدان که در ایران با افرادی مثل تو که در ندارند چون در حال حاضر جمهوری اسلامی اعضای این گروه را مورد عضو و عنایت خود قرار داده و امن ترین و مطمئن ترین مسیر ممکن برای نجات این افراد را فراهم می کند برادرم عزیزم امیدوار باش و به خدا توکل کن که خدا بنده نش را هرگز فراموش نمی کند و سعی کن بهترین تصمیم را بگیرد در وطن مردن بهتر است از زندگی در غربت. بگو از اعضا جدا شده از سازمان شهرام دهقان است که دوست محمد می باشد وقتی مجلس تو را به او نشان دادیم او قول به راحتی

با اسم مستعارت شناخت و ذکر کرده با تو در خرد نظینه بود و تو در همان زمان با سازمان
 مخالف بودی و بار اقدام به خراب نمودن آن که موخوق نشده ای و یا حتی اقدام به خودکشی
 کرده ای این ظارا به این دلیل می گویم که باورت بشود که شهرام دهقان در ایران است و از
 سازمان جدا شده است و برای خود زندگی جدیدی آغاز نمود و نامزدیم دارد و پس به
 تهدیدات آنجا مبنی بر این که به عکس نخواستی خواهد از سازمان جدا شود و به ایران برگردت
 اقدام و یا به زندان می افتاد و یا زندجم می شود. دروغ باغیرها که آنجا است. این سازمان
 ۶ سال از عمر تو را برای اهدافی خائنانه و امید واهی تلف کرده است. بدام ایران فرود
 که به شما وعده می دهند همان خودی که می دانی جوانان ایران نمی گذارند که اخراج شود جوهر
 وطن خروش و بیگانه کشوری را تصرف کنند چون این وطن با خون شهیدان پدیدار شده
 است. و فکر این که آنجا شمارا از سلطه خود بکشند. خدا بسم محمد علی رضا جان
 برادر خوبم واقع بین باش خنک کن برای نجات خود از دست فرقه رجویی برادر
 من و خانواده ات پیشیان تو هستیم خیلی از اعضا از سازمان جدا شده و به ایران برگشته اند
 نگران عمر تلاحت شده خورد نباش چرا که هنوز جوانی و عمر دراز پیش روی
 پس برای آینده ات در جوانی خود خنک کن و از سازمان جدا شو. اگر خود را می از فامان
 و با با برات بلم چیزه جز صورت جیس مافان در ذهن ندانم چون دور تو و مخصوصاً
 اسارات در فرقه رجویه آنجا را پیر کرده است. ما خیلی دلمان می خواهد به دیدنت
 بیاییم و می این اجازه را به ما نمی دهند و شمارا از دنیا، احرام و دیدن پدر و مادر

و حتی این حماسه تلفنی منع کرده اند. چیرا که عمر سازفان به سر آمده. مابرای دیدن تو در برای رهایی

تو از سازفان شب و روز دعا می کنیم. امیدوارم خداوند به همه ی خانواده های اعصاب سازفان

تسل کند تا فرزندانمان را از بند اسارت آزار سازیم. برادرم علی جان هیچ موقع، خاطرت

ندست را خراموش نمی کنیم و همیشه در کعبه جا در حلب من هستی. و یاد در روزهای با تو بودن

خیر یعنی می شه باز با هم باشیم. باز من قدیم با دورین سفر و غذا بخوریم. باز بلیم و

خندیم یعنی می شه. چه کنم چاره ندارم که فلک کرده جدا از دلم خنجر بچینم که در کعبه ترا

و من به این نامه اکتفا نمی کنم و تمام توان خود را برای رهایی تو از جلم محمد و به تمام مراجع

بین المللی زیر بار از جمله کمیته بین المللی صلیب سفید مراجع خواهم کرد بجهت رهایی تو از جنگ

فرقه تروستی رجوی. پس به امید دیدار در ایران. که مطمئن ام که به زودی بر می گردی که هیچ جا دنیا

و حل نمی شود.

- اردو نوشت به کمیته بین المللی صلیب سفید رهبر عمران

تارو نوشت به کمیته بین المللی صلیب سفید رهبر زینو
جولعت فاطمه امیر

۳- از من نجات رهبر آذربایجان غربی ۱۱/۱۱/۸۵
در روز نوشت ۱

امیر